

تبیین فلسفی مسئولیت اخلاقی از دیدگاه محمدحسین طباطبایی

سلیمان حبیبی*

رضا اکبری**

چکیده

هرچند محمدحسین طباطبایی درباره مسئولیت اخلاقی بحث مستقلى ندارد، اما مى‌توان مباحث مربوط به این مسئله را در آثار وی بازخوانی کرد. وی مسئولیت اخلاقی را پاسخ‌گویی به استدلال‌های مرتبط با امر اخلاقی می‌داند. با توجه به اصول هستی‌شناختی و انسان‌شناختی همچون اصالت وجود، علیت، سیر اشتدادی و ابعاد مختلف زندگی انسان، او در قبال خداوند، دیگر انسان‌ها و جهان دارای مسئولیت اخلاقی است. در مسئولیت اخلاقی، عامل فعل به عنوان عامل دارای علم، قدرت و اختیار موضوعیت دارد و عمل به عنوان متعلق عامل. توجه به نکته اخیر معلوم می‌کند که از نظر طباطبایی مسئولیت اخلاقی مؤلفه‌ها و شرایط متعددی دارد. چالش فرازوی مسئولیت اخلاقی، که هم از منظری کلامی و هم از منظری فلسفی قابل طرح است، مسئله جبر است.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت اخلاقی، شرایط مسئولیت اخلاقی، انواع مسئولیت اخلاقی، محمدحسین طباطبایی.

* دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، گروه فلسفه تطبیقی
** استاد گروه فلسفه و کلام، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

یکی از مسائل اساسی اخلاق در عصر حاضر مسئله «مسئولیت اخلاقی» (Moral Responsibility) است؛ اما علی‌رغم اهمیت آن، تحقیقی به زبان فارسی درباره آن صورت نگرفته است. طباطبایی معروف‌ترین فیلسوف چند دهه اخیر ماست. مسئولیت اخلاقی با همین عنوان در آثار ایشان دیده نمی‌شود؛ اما این موضوع در اندیشه ایشان قابل ردیابی و استخراج است. تلاش مقاله حاضر بر این است که با تمرکز بر این مطالب جسته و گریخته، بتواند نظریه مسئولیت اخلاقی را از دیدگاه طباطبایی بازسازی و تبیین فلسفی کند. لذا برای درک و طراحی درست نگاه طباطبایی درباره مسئله مسئولیت اخلاقی، نخست باید این رگه‌ها و خطوط پراکنده نظریات اخلاقی مربوط دنبال شود و سپس در چارچوب اصول فکری طباطبایی به تحلیل درآید. به عبارت دقیق‌تر، طباطبایی نظریه‌ای درباره مسئولیت اخلاقی ندارد؛ لذا برای استنتاج جامع دیدگاه ایشان می‌توان آن را حول پرسش‌های زیر صورت‌بندی و تبیین کرد:

۱. مفهوم مسئولیت اخلاقی و انواع آن چیست؟ پاسخ این پرسش، ابتدا یک نگاه مقدماتی و کلی برای شروع کار عطا می‌کند و سپس محدوده فعالیت تحقیقی این مقاله را نشانه‌گذاری می‌کند.
۲. مبانی فلسفی طباطبایی درباره مسئله مسئولیت اخلاقی چیست؟ طباطبایی چون نظریه‌های ساخته و پرداخته در این باب ندارد، لاجرم لازم می‌آید برای استنباط و بازسازی آن به مبانی فکری و فلسفی ایشان رجوع شود. پس حداقل ضروری است که مهم‌ترین مبانی فلسفی وی در این باب توضیح داده شود.
۳. مؤلفه‌ها و شرایط مسئولیت اخلاقی کدام‌اند؟ مسئولیت اخلاقی از مؤلفه‌هایی تشکیل شده که شناخت آنها در تشخیص و درک صحیح مسئولیت اخلاقی مؤثر است. همچنین شرایطی برای اثبات یا انتفای مسئولیت اخلاقی در کار است که شناخت این شرایط به عامل اخلاقی یاری می‌رساند تا وظیفه اخلاقی‌اش را بهتر بشناسد و به نحو اخلاقی عمل کند.
۴. چه چالش‌ها و انتقاداتی پیش روی مسئولیت اخلاقی است؟ پاسخ و دفاع طباطبایی در این باره چیست؟ با تکیه بر مجموع پرسش‌های معطوف به مفهوم و مبانی و مؤلفه‌ها و شرایط مسئولیت اخلاقی، می‌کوشیم طرح و تبیینی از نظریه طباطبایی درباره

تبیین فلسفی مسئولیت اخلاقی از دیدگاه محمد حسین طباطبائی

مسئولیت اخلاقی به دست دهیم. در ادامه ارزیابی این تبیین و قدرت پاسخگویی اش در مقابله با چالش‌های فراروی این مسئله مطرح می‌شود.

نهایتاً روال منطقی پژوهش ایجاب می‌کند که نخست به تبیین مفهوم مسئولیت اخلاقی و روشن کردن محدوده انواع آن در دیدگاه طباطبائی اشاره شود، سپس مبانی آن در اندیشه ایشان بررسی می‌شود. آنگاه در چارچوب این مبانی می‌توان به تحقیق مؤلفه‌ها و شرایط مسئولیت اخلاقی در اندیشه طباطبائی پرداخت و بر پایه این چارچوب به مقابله با چالش‌ها روی آورد. البته مسئولیت اخلاقی مسئله‌ای است که جنبه‌های مختلفی دارد، از جمله جنبه هنجاری و جنبه فراهنجاری آن. به هر حال، چون برای تحقیق و استنتاج این مسئله در دیدگاه طباطبائی ناگزیریم به مبانی و اصول فکری ایشان مراجعه کنیم، لذا ضرورتاً و منطقی‌اً بحث از جنبه فراهنجاری یا متافیزیکی آن آغاز می‌شود. به همین دلیل، آنچه در این مقاله بر آن تأکید شده، جنبه متافیزیکی آن است.

۱. مفهوم و انواع مسئولیت اخلاقی در اندیشه طباطبائی

ابتدا تعریفی مقدماتی و کلی درباره مفهوم مسئولیت اخلاقی به دست می‌دهیم تا روشن شود که تحقیق حاضر به دنبال شناخت و تبیین چه چیزی در دیدگاه طباطبائی است. به همین دلیل، به یک تعریف کلی و جامع بسنده خواهد شد. سپس تلاش می‌شود انواع مسئولیت اخلاقی در دیدگاه طباطبائی بررسی شود. نتایج این بخش روشن می‌کند که تمرکز بر توضیح کدام مبانی فلسفی طباطبائی ضرورت دارد.

۱.۱. مفهوم مسئولیت اخلاقی

مسئول بودن، همان‌گونه که از لفظ آن برمی‌آید، به معنای پاسخگو بودن است؛ اما پاسخگو بودن نیازمند متعلق است: پاسخگو بودن در قبال چه چیزی و چه کسی. برای پاسخ به اینکه متعلق این پاسخگویی چیست لازم است به مفهوم اخلاق از دیدگاه طباطبائی توجه کنیم. «اخلاق» نزد طباطبائی شأن دینی، اجتماعی و فلسفی دارد. اخلاق بعد از توحید در درجه دوم اهمیت قرار دارد، و دومین پایه اسلام را تشکیل می‌دهد (طباطبائی، بی تا الف: ۳۴؛ همو، ۱۴۲۲: ۲۶۲/۱). اخلاق به ضمانتی نیاز دارد که حافظ آن باشد و این ضمانت همان «توحید» است (طباطبائی، بی تا ب: ۵۰). پس، اخلاق بدون اصل توحید نوعی اخلاق بی پایه و اساس است. مسائل اخلاقی نیز باید

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال شانزدهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶۲ (زمستان ۱۳۹۳)

ذیل اصل توحید و مرتبط با آن تحقیق و تدقیق شوند. بدین ترتیب، مسئولیت اخلاقی پاسخگویی به وظایف فرد در قبال خداوند است. از آنجایی که خداوند قوای معرفتی را در اختیار انسان قرار داده، مسئولیت اخلاقی نوعی پاسخگویی به استدلال‌های مرتبط با امور اخلاقی نیز خواهد بود. به عبارت دیگر، عامل اخلاقی باید تبیین لازم و مناسبی از عمل خود داشته باشد و بتواند آن را ارائه دهد.^۱ حساب و کتاب در آخرت و نیز محاسبه و مراقبه، که در دستورالعمل‌های اخلاقی به وفور توصیه شده را می‌توان در چارچوب «پاسخگویی» عامل تبیین کرد. به هر حال، علاوه بر خداوند اما عامل در قبال انسان‌های دیگر و همین‌طور در قبال جهان و محلی که در آن زندگی می‌کند اخلاقاً مسئول است. این موارد، بحث انواع مسئولیت اخلاقی را تشکیل می‌دهند، که در قسمت بعدی می‌آید.

توضیح متعلق دیگر پاسخگویی بدین شرح است: مسئولیت اخلاقی همواره در قبال عمل آدمی است. عمل به عامل وابسته است (نک: طباطبایی، ۲۰۰۷/۱۴۲۸ ج: فصل ۸ و ۱۰) و در قبال آن باید پاسخگو باشد. عمل سه حالت دارد: الف. کارها و کردارهایی که عامل باید آنها را انجام دهد؛ ب. کارها و رفتارهایی که عامل باید آنها را انجام می‌داد اما از انجامشان غفلت ورزیده است؛ ج. پیامدهایی که بعد از انجام دادن عمل یا ترک آنها به دنبال می‌آید. هر عمل یا ترک عمل پیامدهایی دارد. عامل اخلاقی باید در برابر این سه دسته مسئولیتش را بپذیرد و پاسخگو باشد. با توجه به اینکه طباطبایی فضیلت‌گرایی اخلاقی است، پس، مسئولیت‌پذیری اخلاقی نوعی فضیلت، یعنی فضیلت پاسخگویی معقولانه به دلایل و عملکردهای اخلاقی به شمار می‌آید. به تبع، نپذیرفتن آن از سوی عامل، نوعی ردیلت اخلاقی تلقی خواهد شد. البته اثبات این سه دسته و نیز سه نوع قبلی بر شرایطی مبتنی است که در صورت فقدان آنها، عامل مسئولیتی نخواهد داشت. این شرایط بعداً بحث می‌شوند.

۲.۱. انواع مسئولیت اخلاقی

مسئولیت‌های اخلاقی متوجه عملکردهای انسان یا ترک آنها یا معطوف به پیامدهای آنها است، و از آنجا که افعال انسان گوناگون است، پس مسئولیت‌ها نیز به تبع آنها تفاوت می‌پذیرد. بنابراین، مسئولیت‌های اخلاقی مختلف و متکثری به عهده انسان است. از چارچوب فلسفه کلاسیک استفاده می‌شود که مجموعه امور و مسائل نظام هستی در سه طبقه کلی جای دارند:

۱. نظام وجود؛ ۲. انسان؛ ۳. جهان. بر این مبنا سه نوع کلی از مسئولیت‌های اخلاقی قابل

تیین فلسفی مسؤلیت اخلاقی از دیدگاه محمد حسین طباطبایی

بازشناسی و دسته‌بندی است: ۱. مسؤلیت اخلاقی در برابر خداوند، که حقیقت وجود و مبدأ و معاد آن است و اطاعتش واجب است؛ ۲. در قبال انسان‌ها به عنوان مراقبت از نظام اجتماعی؛ ۳. در قبال جهان به عنوان مواظبت از محل بودن و محیط زندگی.

۱.۲.۱. در برابر خداوند

خداوند خالق است و به تبع، انسان در برابر خالق خویش مسؤلیت‌هایی دارد. طباطبایی کمال اخیر انسان را فنا و توحید افعالی، اسمائی و ذاتی می‌داند (نک: طباطبایی، ۲۰۰۷/۱۴۲۸ ز: همو، ۲۰۰۷/۱۴۲۸ و) لذا می‌توان گفت مسؤلیت در برابر خداوند نخستین مسؤلیت اخلاقی انسان است. این مسؤلیت، کل اطوار زندگی انسان را دربرمی‌گیرد و بنیان دیگر انواع مسؤلیت اخلاقی به شمار می‌آید. «عبادت» محتوای جوهری این مسؤلیت بنیادین را تشکیل می‌دهد؛ زیرا آدمی برای آن خلق شده است (الذاریات: ۵۶). طور آخرت حساب و کتاب یا بررسی مسؤلیت همین عبادت‌ها است.

حقیقت وجود در تمام مراتب جهان سریان یافته است، به نحو «معیت قیومی» (الحدید: ۴؛ البقرة: ۲۵۵؛ آل عمران: ۲) و «قرب وریدی» (ق: ۱۶). بنابراین، مسؤلیت در قبال این حقیقت مطلق و سریان عام همانا شرط امکان و بنیان هر گونه مسؤلیتی به شمار می‌آید. این مسؤلیت مطلق و نامشروط است و اساس هر نوع مسؤلیت دیگر است (نک: طباطبایی، بی تا الف: ۱۷). طباطبایی معتقد است، اولاً تفکر اسلامی هر چیز پسندیده نزد عقل سلیم را با آغوش باز می‌پذیرد. ثانیاً آن را بر پایه توحید استوار می‌دارد. زیرا در اسلام، تمام عقاید و اعمال بر پایه توحید مبتنی است و بدون این اساس، از درجه اعتبار ساقط و باطل است. بنابراین، مسؤلیت اخلاقی در برابر خداوند بنیاد تمام مسؤلیت‌ها به شمار می‌آید و حافظ و ضامن انواع دیگر است. هدف از این انتظام، تقوا و نزدیک شدن به خدا است و «این هدف، ضامن حفظ احکام نام‌برده است» (طباطبایی، بی تا ب: ۱۵). بنیاد توحیدی ضامن حفظ مسؤلیت اخلاقی، احکام و لوازمش نیز هست. به نظر طباطبایی، «ادیان آسمانی سازمان دعوت خود را تا حدی روی مسؤلیت تکلیفی و پاداش اعمال (یعنی روز جزا) گذاشته‌اند و مخصوصاً (در میان آنها) آیین مقدس اسلام اساس دعوت خود را روی سه اصل گذاشته است» (طباطبایی، ۱۳۸۸ الف، ۱۳۱/۲). مسؤلیت اخلاقی‌ای که انسان در برابر خدا و دین خدا دارد، حداقل سه اصل بنیادین را دربرمی‌گیرد: توحید،

فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم: سال شانزدهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶۲ (زمستان ۱۳۹۳)

نبوت و معاد؛ که هر کدام اثرات حقیقی خاصی بر روی اخلاق و رفتار آدمی می‌گذارد، به نحوی که آدمی را فراسوی نیکی‌ها و بدی‌های اخلاقی ارتقا می‌دهد. طباطبایی در این باره می‌گوید:

در مرتبه ملکات، ملکه علم است، و انسان کامل جز حق سبحان نمی‌بیند، و انسان مستکمل سزاوار نیست که به غیر از حق سبحان توجه کند، پس، [در این صورت،] موضوعی برای اخلاق رذیله، مانند عجب و کبر و ریا و ... نمی‌ماند. پس، در این هنگام اخلاق فاضله به وسیله خدا و برای خدا واقع می‌شود (طباطبایی، ۲۰۰۷/۱۴۲۸، و: ۴۲).

بدین‌سان، مهم‌ترین اثرگذاری عقاید اسلامی این است که رذیلت‌ها و بی‌مسئولیتی‌ها را از بیخ برمی‌کند و مؤمن با اخلاق را به کمالات عالی اخلاقی می‌آراید، تا انسان به سعادت نهایی‌اش برسد. مسئولیت اخلاقی در برابر خدا از قسم اعتباریات پیشاجتماعی و عمومی و ثابت به شمار می‌آید.

۱.۲.۲. در برابر مردم

طباطبایی در خصوص مناسبات اجتماعی اهتمام خاصی دارد، که در میان چندین توجهی کمتر دیده می‌شود. اصولاً نظریه اعتباریات نیز در پاسخ به همین اهتمام، ابداع شده است. طباطبایی با ابداع این نظریه از یک‌سو می‌کوشد مناسبات اجتماعی را بر مبنای قواعد فلسفی و اصول حقیقی استوار دارد، تا از دل آن یک جامعه دینی ظهور کند و به تحکیم و سامان معقول دست یابد؛ مخصوصاً که مسئولیت اخلاقی در برابر مردمان در بطن همین معقولیت روابط اجتماعی مطرح می‌شود. از سوی دیگر، انسان سرشت اجتماعی دارد و بسیاری از افعالش در رابطه با اجتماع صورت می‌گیرد. این فعالیت‌ها در قوام یا زوال جامعه اثر دارد. از این‌رو، مسئله مسئولیت اخلاقی در قوام و معقولیت این روابط اجتماعی نوعی ضرورت انکارناپذیر دارد.

اسلام مسئولیت‌های اخلاقی مختلفی برای انسان در قبال انسان‌های دیگر مطرح کرده که مراتب و درجات متعدد دارد. یک درجه از این مسئولیت اخلاقی همانا مسئولیت آدمی در قبال والدینش است (البقرة: ۸۳؛ الاسراء: ۲۳؛ النساء: ۳۶؛ الأنعام: ۱۵۱). احسان و نیکی همانا بارزترین مسئولیت اخلاقی آدمی در قبال پدر و مادر است، که هم‌ردیف عبادت خدا قرار دارد. مرتبه دیگری از مسئولیت اخلاقی در قبال دیگر آدمیان، مسئولیت در قبال خویشان است. نیکی به خویشاوندان و نزدیکان آدمی، مانند همسر، فرزندان و برادران و خواهران و بقیه فامیل در قرآن

تیین فلسفی مسؤلیت اخلاقی از دیدگاه محمد حسین طباطبائی

سفارش شده است (البقرة: ۱۷۷). آدمی علاوه بر والدین و خویشان خویش، در قبال مردم جهان نیز مأمور به نیکی کردن و به تبع آن اخلاقاً موظف و مسئول است. این مسؤلیت‌های اخلاقی در قبال دیگران آثار خارجی مختلفی نیز در پی دارد؛ مانند تحصیل کمال انسانی، انتظام اجتماعی، پیشرفت معنوی و ...، که همگی فایده‌مندی اعتبار مسؤلیت اخلاقی را تثبیت می‌کنند و ضرورت می‌بخشند. خود افراد انسانی همگی مبدأ خارجی و مبنای حقیقی مسؤلیت اخلاقی در قبال انسان و اجتماع به شمار می‌آیند. مسؤلیت اخلاقی در قبال دیگران از نوع اعتباریات پسااجتماعی و متغیر است.

۱. ۲. ۳. در برابر جهان

جهان وعاء موجودیت آدمی، محیط زندگی او و محل عبادت خداوند است. به همان میزان که عبادت و وظیفه بنیادین آدمی محسوب می‌شود، حفاظت از محل عبادت نیز یک مسؤلیت اخلاقی به شمار می‌آید. از جانب دیگر، جهان و شهر مکان رشد و بستر پیشرفت جامعه است. بنابراین، از این بستر رشد باید مراقبت به عمل آورد؛ زیرا شرایط زندگی را آسان‌تر و سبک‌تر می‌کند. چون انسان با جهان رابطه وجودی دارد، لذا بین وضع جهان و فعل انسان رابطه متقابل در جریان است و به تبع این رابطه متقابل می‌توان نوعی مسؤلیت اخلاقی در قبال جهان تعریف کرد. طباطبائی می‌گوید:

فعلی که انسان انجام می‌دهد یکی از پدیده‌های جهان آفرینش است و پیدایش آن مانند سایر پدیده‌های جهان بستگی کامل به علت دارد و نظر به اینکه انسان جزء جهان آفرینش است و ارتباط وجودی با اجزای دیگر جهان دارد، اجزای دیگر را در فعل وی بی‌اثر نمی‌توان دانست (طباطبائی، ۱۳۸۸ ب: ۱۱۳).

بنابراین، هم اقتضائات مدنی و نیازهای اجتماعی ایجاب می‌کند و هم اصل اعتباری اخف و اسهل الزام می‌آورد که آدمی در قبال محیط زیست خود، اخلاقاً مسئول باشد. آدمی همان‌طور که نمی‌تواند خانه‌اش را نادیده بگیرد، نباید از محیط زیست خویش غفلت کند. بنابراین، اولاً نباید خودش به تخریب شهر و محیط زیست بپردازد و از انجام دادن رفتارهای غیرمسئولانه پرهیز کند؛ ثانیاً نباید در قبال رفتارهای غیرمسئولانه دیگران ساکت بنشیند. هرچند قانون و الزام حقوقی بر دوش فرد نیست، اما اخلاقاً باید در قبال مراقبت و نظافت شهرش و حراست از محیط زیستش احساس مسؤلیت کند؛ مثلاً در اعتراضات مردمی علیه نابودی محیط زیست شرکت

کند. همچنین می‌تواند در خصوص رعایت بهداشت عمومی، امر به معروف و نهی از منکر کند. حفظ محیط زندگی یک واقعیت است که مبدأ و مبنای مسئولیت اخلاقی در قبال آن را به دست می‌دهد و نتیجه حقیقی آن همانا تمهید و تهیه شرایط زندگی بهتر و با امکانات رفاهی بهتر مناسب شأن و کرامت فاخر انسان است. این نوع مسئولیت اخلاقی در قبال جهان به نظر می‌آید از نوع اعتباریات پسااجتماعی و متغیر است.

طباطبایی گزاره‌های اخلاقی را برآمده از احکام اعتباری می‌داند، پس مسئولیت اخلاقی نیز ماهیت اعتباری خواهد داشت. «اعتباری» بودن در نگاه طباطبایی یک مفهوم فلسفی است و نیازمند توضیح و تبیین دقیق است. از این رو لازم است به مبانی فلسفی طباطبایی در این باره پرداخته شود، تا امکان تحقیق درباره ماهیت مسئولیت اخلاقی در دیدگاه طباطبایی به نحو فلسفی فراهم آید.

۲. مبانی فلسفی مسئولیت اخلاقی در نگاه طباطبایی

طباطبایی فیلسوفی نوصدرایی است. از این رو هرچند در مواردی اختلافاتی میان دیدگاه‌های ایشان با دیدگاه‌های ملاصدرا وجود دارد ولی با تسامح می‌توان گفت که مبانی ایشان در هستی‌شناسی، عمدتاً همان مبانی ملاصدرا است. بنابراین، در اینجا فقط به خطوط اصلی آن دسته از مبانی نظری که در درک و تحلیل مسئولیت اخلاقی تأثیر مستقیم دارد، اشاره می‌شود.

۲.۱. مبانی هستی‌شناختی

بنیادی‌ترین و فراگیرترین حکم وجود در دیدگاه ملاصدرا و طباطبایی، «اصالت وجود» است. این اصل بنیادین، خطوط و جهات اصلی ساختار حکمت متعالیه را تعیین می‌کند و مسائل دیگر تماماً در افق آن به تفسیر درمی‌آیند. مسئله دوم «تشکیک وجود» است که پویایی و امکان پیشرفت انسان در مراتب نظام وجود را توضیح‌پذیر می‌کند (نک: طباطبایی، ۱۳۷۸، مرحله ۱: فصل ۴ و ۵؛ همو، ۱۴۲۰، مرحله ۱، فصل ۲ و ۳؛ همو، ۱۳۸۷، مقاله ۷؛ ملاصدرا، ۲۰۰۰/۱۴۲۰: ۶۰).

تا جایی که به مسئولیت اخلاقی مربوط می‌شود، اصالت وجود اقتضا می‌کند که رفتارهای آدمی در وجود ریشه داشته و بر مبنای حقیقت باشد، وگرنه ارزشی نخواهد داشت. فضایل اخلاقی از جمله مسئولیت اخلاقی بر حقایق هستی‌شناختی استوارند و بدون اتکا به آنها ضمانتی ندارند، چنان که طباطبایی آنها را بر «توحید» استوار می‌داند. علاوه بر این، ساختار تشکیکی وجود اجازه

تیین فلسفی مسؤلیت اخلاقی از دیدگاه محمد حسین طباطبایی

می‌دهد که آدمی با عملکردهای نیک بتواند به مراتب بالاتر کمال نائل آید. مسؤلیت اخلاقی به عنوان یک فضیلت اخلاقی جزئی از این استکمال آدمی به شمار می‌آید. دو اصل دیگر، توضیح این سیر استکمال را کامل می‌کنند: اصل علیت (قاعده علت و معلول) و اصل فعلیت (قاعده قوه و فعل). اصل علیت در واقع عاملیت و انواع آن را توضیح می‌دهد. همچنین اصل فعلیت به خصوص با نظریه حرکت جوهری، امکان تطورات وجودی انسان را شرح می‌دهد (نک: طباطبایی، ۲۰۰۷/۱۴۲۸ ط؛ ملاصدرا، ۲۰۰۲/۱۴۲۳، ج ۳). طبق اصل علیت در حکمت متعالیه، معلول مرتبه‌ای از مراتب خود علت بوده، به آن تعلق وجودی دارد. در بحث عامل و عمل (= دو مؤلفه مسؤلیت اخلاقی) باید به این رابطه درونی و وجودی توجه کرد؛ زیرا عمل متعلق به عامل و با آن متحد است. به همین دلیل، عامل در قبال آن باید پاسخگو باشد. اصل فعلیت نیز سیر تکاملی نفس را نشان می‌دهد، که انسان هرچه بیشتر مسؤلیت‌پذیر باشد و مسؤلان‌تر عمل کند بهتر به کمال و مراتب بالای آن می‌رسد. بنابراین، مسؤلیت اخلاقی هرچند ماهیت اعتباری دارد اما مبادی وجودی و آثار حقیقی فراوانی در پی دارد.

۲.۲. مبانی انسان‌شناختی

در تلقی طباطبایی از انسان، دو بحث کلیدی وجود دارد: یکی شاکله وجودی و دیگری مراحل وجودی انسان.

الف. شاکله وجودی انسان: انسان از دو جوهر بدن و نفس انتظام یافته اما آنچه حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد، جوهر «نفس» است. نفس انسان طی تحولات جوهری از درون جوهر بدن او سر برمی‌آورد. شاکله دو بُعدی اجازه می‌دهد انسان طی تطورات جوهری، اشتداد وجودی بپذیرد و به کمال نهایی نزدیک شود. این فرآیند از دو جهت رخ می‌دهد: افزایش فعالیت‌های ادراکی، به خصوص علم به وجود و نظام هستی و کسب ملکات و فضایل اخلاقی. آدمی با تعقل در باب وجود و تخلق به فضایل اخلاقی به تدریج از مرتبه جسمانی فراتر می‌رود، مرتبه مثالی را پشت سر می‌گذارد و به جهان عقل می‌رسد (نک: طباطبایی، ۲۰۰۷/۱۴۲۸ ح: فصل ۴؛ همو، ۲۰۰۷/۱۴۲۸ د: فصل ۱؛ همو، ۲۰۰۷/۱۴۲۸ ی: فصل ۸؛ کیاشمشکی، ۱۳۸۳: ۱۹۲-۱۹۳). بدین سان مسؤلیت اخلاقی به عنوان یک فضیلت، به همراه سایر فضیلت‌ها و کمالات انسانی در فرآیند تحول جوهری و کسب مراتب اشتدادی آن مدخلیت دارد.

فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم: سال شانزدهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶۳ (زمستان ۱۳۹۳)

ب. مراحل وجودی انسان: به نظر طباطبایی، «نفیس» انسان ظرف زندگی اوست که سه طور وجودی را طی می‌کند: قبل از دنیا، در دنیا و بعد از دنیا (نک: طباطبایی، ۲۰۰۷/۱۴۲۸ الف). تقدیرات الهی زندگی ابتدا در این عالم امر (طور قبل از دنیا) رقم می‌خورد و سپس اثرات عینی آن در دنیا به ظهور درمی‌آید (نک: طباطبایی، ۲۰۰۷/۱۴۲۸ د). اما این شاکله مستلزم جبر و انتفای مسئولیت اخلاقی نیست؛ زیرا اختیار آدمی در آن حذف نمی‌شود.

انسان موقعیتش در دنیا را با «علم» می‌تواند تغییر بدهد. نفس با علم سنخیت دارد و با تشدید علم، نفس نیز قوی‌تر می‌شود. با این حال، نفس باید قابلیت پذیرش علم را داشته باشد. اخلاق این ظرفیت را فراهم می‌آورد. یعنی عمل‌ها، فضیلت‌ها، ارزش‌ها و اعتبارهای اخلاقی در راستای پرورش نفس و تهذیب ظرف نفسانی در طور دنیا عمل می‌کنند تا ظرفیت نفس به حد و مرتبه لازم برای دریافت حقایق و سیر به مقامات بالاتر برسد.

طور سوم نفس، مرحله معاد است که تمام حقیقت زندگی در آنجا آشکار می‌شود (نک: طباطبایی، ۲۰۰۷/۱۴۲۸ ج). خلاصه اطوار زندگی با علم و معارف الهی قابل پیمودن است، اما معارف الهی جز با مکارم و فضایل اخلاقی تحصیل نمی‌شود و محفوظ نمی‌ماند (طباطبایی، بی تا ب: ۴۴). تمامیت مسئولیت اخلاقی در طور آخرت استیفا می‌شود.

۳.۲. اعتباریات و اخلاق

اعتباریات ناشی از لزوم پاسخگویی و توجه حیاتی به نیازهای واقعی و اجتماعی انسان است که متکثر و مختلف‌اند؛ لذا به تبع آن، اعتباریات نیز کثرت می‌پذیرند (نک: طباطبایی، ۱۳۸۷: مقاله ۶؛ همو، ۲۰۰۷/۱۴۲۸ ب). به نظر طباطبایی، اخلاق از جمله اعتباریات به معنای اخص و جزء اعتباریات عملی است. اعتبارهای عملی در امور حقیقی ریشه دارند و به آثار و پیامدهای حقیقی نیز منتهی می‌شوند. یعنی محفوف به دو طرف حقیقی‌اند: مبادی حقیقی و آثار حقیقی. و اگر در حقیقت ریشه نداشته باشند آنگاه وهم محض و باطل خواهند بود. پس پرسش این است که مبادی و آثار حقیقی مسئولیت اخلاقی چیست؟

خلاصه اخلاق راه تحصیل کمالات انسانی را هموار می‌کند. ساز و کار حصول کمال انسانی به لحاظ نظری با اصل «قوه و فعل» و اشتداد جوهری توضیح‌پذیر است و به لحاظ عملی با اعتباریات قابلیت شرح و تفسیر دارد. مسئولیت اخلاقی نوعی اعتبار اخلاقی است که بر حقایق و واقعیت‌های خارجی از قبیل نفس و احوال آن مانند ادراکات، اراده و اختیار مبتنی است. بر مبنای

تیمین فلسفی مسئولیت اخلاقی از دیدگاه محمد حسین طباطبائی

اطوار وجودی می‌توان دسته‌بندی آثار حقیقی مسئولیت اخلاقی را چنین مطرح کرد: الف. آثاری که در طور حیات دنیوی پدید می‌آیند؛ ب. آثاری که در طور اخروی پدیدار می‌آیند. این مجموعه هم بر ضرورت مسئولیت اخلاقی و هم بر غایت آن پرتو می‌افکند.

۳. مؤلفه‌ها و شرایط مسئولیت اخلاقی از منظر طباطبائی

مؤلفه‌ها و شرایط با هم تفاوت دارند اما در مجموع کار مشترکی انجام می‌دهند؛ زیرا هر دو روی هم‌رفته ماهیت مسئولیت اخلاقی و ابعاد وجودی یا ایجابی آن را روشن می‌کنند.

۳.۱. مؤلفه‌های مسئولیت اخلاقی

مسئولیت اخلاقی دست‌کم دو مؤلفه اساسی دارد: عامل و عمل او. یعنی باید عاملی باشد و عملی انجام داده باشد تا بتوان از مسئولیت اخلاقی عامل در قبال آن عمل یا ترک آن یا حتی پیامد آن پرسش کرد. بدون یک عامل و عمل او، هر گونه مسئولیتی منتفی است. هر یک از عامل و عمل، شرایطی دارد که توضیح مختصر آنها در ذیل می‌آید.

۳.۱.۱. عامل

انواع یا اقسام مختلفی از فاعلیت در فلسفه اسلامی مطرح است (طباطبائی، ۱۴۲۰: مرحله ۸، فصل ۷؛ همو، ۱۳۷۸: مرحله ۷، فصل ۶) که در اینجا فقط فاعلیت ارادی و اختیاری انسان اهمیت دارد. اگر عاملی اختیار و آزادی عمل نداشته باشد، آنگاه مسئولیتی نیز بر او مترتب نخواهد شد. اراده در کنار آگاهی، یکی از مبادی تعیین‌کننده عمل است و هیچ فعلی بدون اراده صورت نمی‌پذیرد، حتی فعل اجباری. اجبار هرچند ممکن است دامنه کاربرد اراده را محدود کند اما آن را حذف نمی‌کند. بر این اساس، طباطبائی انسان را همواره فاعل ارادی و اختیاری می‌داند و فاعلیت جبری را حذف می‌کند (طباطبائی، ۱۴۲۰: ۲۲۴-۲۲۵؛ پارسانیا، ۱۳۹۲: ۵۳). به عبارتی تفاوت افعال اختیاری و غیراختیاری در مرحله اراده فاعل نیست بلکه به مرتبه‌ای پیش از آن، یعنی مرتبه علم فاعل به فعل برمی‌گردد. بر این اساس، استناد فعل غیرارادی به فاعل صحیح نیست تا آنکه سخن از اجباری یا اختیاری بودن آن به میان آید (ملاصدرا، ۱۴۲۳/۲۰۰۲: ۲۷۰/۶، تعلیقه طباطبائی).

۳. ۱. ۲. عمل

تا عملی نباشد پرسش از مسئولیت آن معنا ندارد. عامل باید عملی را انجام داده یا ترک کرده باشد، که بتوان از مسئولیت اخلاقی آن پرسید. یعنی تعلق عمل به عاملش اهمیت اساسی دارد. اما عمل چگونه از عامل سر می‌زند؟ تبیین مکانیسم عمل در اندیشه طباطبایی بر پایه نظریه اعتباریات او صورت می‌گیرد. زیرا به نظر ایشان، اولاً فکر مبنای عمل است و ثانیاً دو نوع فکر بنیادین وجود دارد: حقیقی و اعتباری. آنچه مبنای عمل است فکر اعتباری است. به عبارت دیگر، میان عامل انسانی و عملش واسطه‌ای وجود دارد که «این واسطه اولاً، از جنس آگاهی و شناخت است و ثانیاً، ماهیت و ساختاری اعتباری دارد» (کیاشمشکی، ۱۳۹۰: ۳۴/۲). این ماهیت معرفتی عمل اقتضا می‌کند که عاملیت انسانی با عاملیت طبیعی فرق داشته باشد و عامل انسانی در قبال عملکردش پاسخگو باشد.

۳. ۱. ۳. وحدت عامل و عمل

از آنجایی که علوم اعتباری مبدأ کردارهای اخلاقی‌اند، پس لازم است به نقش اعتباریات در تبیین ساز و کار عمل نیز توجه شود. تبیین ساز و کار عمل را از دو منظر می‌توان تقریر کرد: از منظر آگاهی‌ها و ادراکات اعتباری، و از منظر فرآیند تشکیکی استکمال عامل اخلاقی.

الف. اعتباریات و عمل: «اعتبار» تفاوت اصلی میان فاعلیت عامل‌های طبیعی و عامل‌های انسانی را نشان می‌دهد. افعال آدمی بر اختیار و آگاهی استوار است اما افعال طبیعی فاقد این دو مؤلفه است. اعمال انسانی حداقل بر مؤلفه‌هایی همچون تصور عمل، تصدیق ترجیح و ضرورت عمل، میل و اراده یا انتخاب آن مبتنی است (همان: ۳۸). بر این اساس، مسئولیت اخلاقی منطبق درونی خاصی دارد که با منطبق کنش در جهان تکوین و طبیعی متفاوت است. مهم‌ترین تفاوت نیز به مؤلفه ادراک اعتباری و اراده مختار آدمی برمی‌گردد.

به بیانی دیگر، انسان نیازهای کثیری دارد و ساز و کار ارضای آنها پیچیده است و اینکه یک عمل خاص چگونه از میان انبوه نیازها و مطالبات گوناگون تعیین می‌یابد، به نظام اعتبارات و نظام ارزش‌های آدمی برمی‌گردد. نقش «اختیار» دقیقاً در همین جا آشکار می‌شود. انسان یک کنش را از میان کنش‌های متعدد، آزادانه انتخاب می‌کند، ترجیح می‌دهد و به آن عمل می‌کند. لذا مقدم بر همه اعتبارها این امر وجود دارد که فاعل انسانی پیش از انجام دادن عمل، به ضرورت آن

تئیین فلسفی مسؤلیت اخلاقی از دیدگاه محمد حسین طباطبایی

اذعان دارد. این اذعان از اهمیت و اولویتی ناشی می‌شود که عامل انسانی برای رفع نیاز خویش آن را در نظر می‌آورد. پس، اختلاف در انتخاب و اولویت‌دادن به برخی نیازها و عمل‌ها عمدتاً به دو عامل برمی‌گردد: ۱. تفاوت‌های طبیعی، زیستی و روانی افراد؛ ۲. تفاوت در عادت‌ها و هنجارهای اجتماعی (همان: ۳۸-۳۹).

ب. **کمال عامل و عمل:** حداقل برخی افعال، کمالات ثانوی موجودات به شمار می‌آیند. نفس علت فاعلی افعالی است که از وی صادر می‌شوند. نفس یک مبدأ علمی است و فعلی از او صادر نمی‌شود، مگر اینکه آن را به عنوان کمال ثانوی بازشناسی کند. به همین دلیل، نفس پیش از انجام دادن یک عمل به تصور و تصدیق آن به عنوان کمال نیاز دارد. پس اگر آن تصدیق از ضروریات عقلی یا ملکهٔ راسخ در نفس باشد آنگاه حکم می‌شود که آن فعل، کمال است و آن را از اراده به عرصهٔ عمل درمی‌آورد. ولی اگر تصدیق آن ضروری و از پیش تعیین شده نباشد، آنگاه نفس فاعل به اندیشه و جست‌وجوی مریخ عمل توسل می‌جوید و اگر بتواند به کمال بودن آن حکم کند، لاجرم آن را می‌پذیرد (طباطبایی، ۱۴۲۰: ۱۵۶-۱۵۷).

طباطبایی از تحلیل ساز و کار عمل، سه نتیجه می‌گیرد: ۱. مبدأ فاعلی افعال ارادی انسان همانا خود انسان است از این حیث که او «فاعل علمی» است. علم از یک سو متمم فاعلیت اوست؛ و از سوی دیگر، به وسیله آن، کمال را از غیر کمال باز می‌شناسد و از جانب سوم، شوق بی‌وقفه تابع علم است و از جانب چهارم اراده نیز بالضرورة از آن تبعیت می‌کند. بنابراین، اراده و شوق از لوازم علمی است که متمم فاعلیت فاعل است. با توجه به این نتیجه، عامل اخلاقی نوعی عاملیت آگاه است و این آگاهی منشأ پاسخگویی به دلایل عمل به حساب می‌آید؛ ۲. افعال آدمی از اراده خالی نیست، حتی فعل جبری نیز حدی از اراده را دارد. بنابراین، جبر علی نمی‌تواند ناقض فاعلیت آدمی و اختیار او محسوب شود. پس موجبیت علی برای مسئولیت اخلاقی مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ ۳. ملاک اختیاری بودن عمل این است که انسان به فعل و ترک آن نسبت مساوی داشته باشد، هر چند به حیث فاعلیتش ضروری‌الفعل به نظر می‌آید (همان: ۱۵۷). خلاصه عاملیت و عمل، شرایط مشترک دارند. در ذیل سه شرط مشترک آنها به اختصار توضیح داده می‌شود.

۲.۳. شرایط مسئولیت اخلاقی

قدیمی‌ترین شرایط مسئولیت اخلاقی همان شرایط ارسطویی است، که فیشر دسته‌بندی جالبی از آنها دارد: الف. شرط‌های سلبی که عبارت‌اند از: جهل (nonculpable) و اجبار (force). اگر این دو شرط در موقع عمل احراز شوند، مسئولیت اخلاقی منتفی است؛ ب. شرط‌های ایجابی که عبارت‌اند از: علم و قدرت (Fischer and Ravizza, 1998: 12-13; Fischer and Others,) (2007: 45-47). این شرایط و دسته‌بندی آنها در چارچوب مبانی طباطبایی می‌گنجد و در مطابقت با دیدگاه وی جریان دارد.

۲.۳.۱. علم

طبق مبانی فلسفی طباطبایی، «علم» مهم‌ترین شرط در الزام مسئولیت اخلاقی است. زیرا از یک‌سو بیشترین تأثیر را در فرآیند استكمال عامل اخلاقی دارد، و از سوی دیگر انتظار و مطالبه مسئولیت اخلاقی از عامل، زمانی معقول به نظر می‌آید که فرد در خصوص عملکردهایش آگاهی داشته باشد. لذا کسانی مانند دیوانه‌ها، معلولان ذهنی، بیماران روانی و کودکان اخلاقاً در قبال رفتارهایشان مسئول به حساب نمی‌آیند (Zimmerman, 2001: 1093).

از آنجایی که علم یکی از مبادی عمل است، پس وجودش در الزام و ایجاب مسئولیت شرط است. عمل و عامل از علم جدا نیست اما علم عملی طبق مبانی طباطبایی همانا علم اعتباری است که با شرایط متغیر عمل ارتباط دارد. عامل باید به عملش حداقل معرفت اجمالی داشته باشد و به طور کلی و هوشیارانه بداند که دارد چه کاری انجام می‌دهد و ممکن است چه پیامدهایی داشته باشد. در این صورت در قبال عمل آگاهانه‌اش اخلاقاً مسئول قلمداد می‌شود. زیرا به نحو برهان خلف اگر آگاهی از عمل، شرط مسئولیت اخلاقی نباشد، آنگاه میان عالم و جاهل به عمل فرقی باقی نخواهد بود و این تالی فساد دارد و اخلاقاً باطل است.

۲.۳.۲. قدرت

«اراده» به عنوان یکی از مبادی انجام دادن عمل اهمیت اساسی دارد و اهمیت آن به قول طباطبایی در این است که افعال حیوان بما هو حیوان جز به اراده صادر نمی‌شود (طباطبایی، ۲۰۰۷/۱۴۲۸ ب: ۳۶۹). بنابراین، بررسی هر گونه عملی از جمله مسئولیت اخلاقی، بدون درک

تیمین فلسفی مسؤلیت اخلاقی از دیدگاه محمد حسین طباطبایی

درست اراده ممکن نیست. دو صفت اساسی اراده در بحث حاضر یکی «قدرت» اراده و دیگری «آزادی» آن است. این دو وصف اراده، دو شرط دیگر مسؤلیت اخلاقی به حساب می‌آیند. عامل باید توانایی عمل را داشته باشد تا در قبال انجام دادن آن اخلاقاً مسئول قلمداد شود. کسی که قدرت انجام دادن کاری را ندارد اخلاقاً مسئول به حساب نمی‌آید.^۲ تا جایی که به مبانی طباطبایی برمی‌گردد، قدرت یکی از کیفیات نفسانی و از صفات «اراده» است، همان‌طور که اختیار نیز وصف دیگر آن است. اراده یکی از قوه‌های نفس است. قدرت یا فعالیت اراده یکی از مبادی عمل به حساب می‌آید و میزان قدرت آن به میزان ارتباط آن با قوه علمی گره خورده است. عامل هرچه بیشتر آگاهی داشته باشد، قدرت عمل بیشتری دارد. خلاصه قدرت عمل یکی از شروط اثبات مسؤلیت اخلاقی است. نقطه مقابل قدرت، ضعف و ناتوانی است. فرد ناتوان در قبال انجام دادن افعال دشوار فراتر از تاب‌توانش و نیز در قبال پیامدهایی که از حوزه کنترل او خارج است، اخلاقاً مسؤلیتی ندارد، چنان‌که در ادبیات شرعی نیز مشهور است که تکلیف به امور فراتر از طاقت بشر تعلق نمی‌گیرد و به تبع، مسؤلیت فرد در قبال چنین اموری منتفی است.

۳.۲.۳. اختیار

یکی دیگر از شروط اثبات‌کننده مسؤلیت اخلاقی، «اختیار» و «آزادی اراده» است.^۳ به نظر طباطبایی، «اراده» یکی از مهم‌ترین موارد کیفیات نفسانی به شمار می‌آید (نک: طباطبایی، ۱۴۲۰، مرحله ۶: فصل ۱۵). اراده، نه شهوت (به معنای میل و اشتها) است و نه شوق مؤکد، بلکه «اراده کیفیتی است که فعل فاعل مختار بر آن متوقف است» (همان: ۱۵۶).

اساساً ساختن ادراکات اعتباری در اختیار و آزادی اراده انسان ریشه دارد و تأییدکننده آن است. «اختیار وصف انسان است اما نه مطلقاً، بلکه به خاطر اضافه به فعل. پس، قطع نظر از فعل، اختیاری نمی‌باشد» (طباطبایی، ۲۰۰۷/۱۴۲۸، ب: ۳۷۱). اختیار یکی از اوصاف خاص انسان است اما در نسبت با عمل یا ترک عمل؛ یعنی اختیار همانا وصف اراده است. اگر اراده هنگام فعل از آزادی در عمل یا ترکش برخوردار باشد، آنگاه فاعل مختار است. از این‌رو طباطبایی می‌گوید: «فعل به چیزی نیاز ندارد جز علم و اراده مؤثر. و اختیار همانا وصف انسان است از حیث اراده مؤثر از قدرت تام» (همان). طباطبایی معتقد است تساوی دو طرف فعل یا ترک در تعریف اختیار اخذ شده است، لذا هر گاه یکی از دو طرف از حیث امکان بیرون رود آنگاه اختیار ممتنع بوده و

وجود نخواهد داشت. طباطبایی از این بحث دو نتیجه می‌گیرد: ۱. فعل به اراده مؤثر از علم نیاز دارد؛ ۲. اختیار معنایی است که از اراده مؤثر حاصل می‌آید (همان: ۳۷۲).

۴. چالش‌ها و پاسخ‌های مبتنی بر دیدگاه طباطبایی

چالش‌ها عمدتاً معطوف به شرایط مسئولیت است. یعنی عمدتاً در آزادی اراده (اختیار) تشکیک شده است، به خصوص در نسبت با خداوند و مسائلی که به تبع آن پیش می‌آید. طباطبایی بخشی از این چالش‌ها را با اندیشه ادراکات اعتباری نه حل، بلکه «منحل» می‌کند و خطای اساسی آنها را پاسخ می‌دهد. در ادامه مختصراً به مهم‌ترین چالش‌ها و پاسخ‌های آنها به نحو گذرا اشاره می‌شود.

۴.۱. چالش‌های کلامی

شبهاتی بر محور قضا و قدر و علم پیشین الاهی مطرح شده‌اند، اما مهم‌ترین آنها حول مسئله «جبر و اختیار» بیان شده است. در این باره سه دیدگاه اصلی وجود دارد، که عبارت‌اند از:

الف. جبرگرایان: هر کردار و گفتاری که از انسان سر می‌زند به قدرت و اراده خداوند است و قدرت و اراده انسان در آن هیچ تأثیری ندارد، بلکه انسان مانند ابزار دست کارگر است. خدا گاهی درخت را به صدا درمی‌آورد و زمانی انسان را، زمانی رعد و برق هوا را به جنبش درمی‌آورد و زمانی انسان را. بنابراین، فرقی میان گام برداشتن انسان و رعشه دست و پای او نیست. این مسلک، عقیده اشاعره است.

ب. اختیارگرایان: قدرت و اراده انسان در گفتار و کردارش از خود او و مختار است. این اختیار را خداوند به بشر تفویض کرده است.

ج. امر بین دو امر: انسان در افعال خود نه چنان مجبور و بی‌اختیار است که مانند ابزار دست کارگر باشد، نه چنان مستقل که خدا هیچ‌گونه دخالتی در آن ندارد، بلکه افعال انسان به هر دو طرف ربط و بستگی دارد؛ یعنی هم به خدا و هم به خود او، به نحوی که اراده انسان در طول اراده خدا قرار دارد و منافی یکدیگر نیست. طباطبایی قائل به همین دیدگاه است و معنای آن را چنین توضیح می‌دهد:

تئیین فلسفی مسؤلیت اخلاقی از دیدگاه محمد حسین طباطبایی

انسان فعل را با اراده انتخاب می‌کند ولی در اراده تحت تأثیر علتی خارج از خودش است و این است معنای امر بین امرین که میان دو قول جبر و تفویض واقع است، نه اینکه بعضی افعال علت دارند و بعضی دیگر ندارند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

ایشان از یک سو با نظر متکلمان جبرگرا مخالفاند و اختیاری بودن برخی از افعال آدمیان را اثبات می‌کنند و از سوی دیگر، با رد نظریه اولویت، از ضرورت علی و معلولی جانبداری می‌کنند و در نتیجه نوعی خاص از ضرورت فلسفی، یعنی ضرورت اعتباری، را برای افعال اختیاری می‌پذیرند. در عین حال، ضرورت علی افعال انسان با اختیاری بودن آن سازگار است. یکی از بدیع‌ترین راه‌حلهایی که تاکنون مطرح شده تفکیک میان ضرورت فعل در مقایسه با علت تامه آن و امکان فعل در مقایسه با فاعل انسانی است که خود بخشی از علت تامه به حساب می‌آید. در این زمینه، طباطبایی از مفهوم فلسفی «امکان بالقیاس» بهره می‌گیرد (نک: همان؛ مطهری، ۱۳۸۳: ۶۰۷-۶۱۵؛ سعیدی‌مهر و مقدس، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۲۳).

۲.۴. چالش‌های فلسفی

قانون علیت یکی از قوانین بدیهی است و لب کلام آن چنین است: «هر حادثه‌ای علتی دارد». شیء تا ضرورت پیدا نکند، موجود نمی‌شود. این مفاد تحت عنوان قاعده «الشیء ما لم یجب لم یوجد» یاد می‌شود. بر اساس این قاعده، در صورت وجود علت تامه، محال است که معلول موجود نشود و از آن تخلف کند (نک: طباطبایی، ۱۳۸۷: مقاله ۹؛ طباطبایی، ۱۴۲۰، مرحله ۸). بر این مبنا، اشکال شده است که این ضرورت تخلف‌ناپذیر با اختیار آدمی منافات دارد. زیرا ضرورت با اختیار (که در «امکان» ریشه دارد) متباین است. این لب چالش است.

در توضیح پاسخ، ذکر چند نکته ضروری است: اول اینکه هر چیزی که ضرورت وجودی دارد یک واحد حقیقی است. هر واحد حقیقی از آن خود، یک وجود و یک ضرورت و یک علت خاص دارد. دوم اینکه علت به معلول اول ضرورت و وجوب می‌دهد و بعد آن را موجود می‌کند. سوم اینکه «همواره میان وجود علت و وجود معلول، وجوب بالقیاس حکم‌فرما است» (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۹۵). یعنی نوعی تلازم میان وجود علت و معلول وجود دارد. قائلان به ناسازگاری جبر علی و اختیار معتقدند این تلازم جایی برای اختیار انسان باقی نمی‌گذارد. طباطبایی اختیار را بر پایه امکان بالقیاس می‌پذیرد؛ اما «امکان بالقیاس در جهان هستی که همه سلسله‌های علت و معلول به هم پیوسته است و تمام سلسله‌ها به ذات واجب‌الوجود منتهی می‌شود، تحقق ندارد. امکان

بالتیاس در موردی صدق می‌کند که میان دو جزء، رابطه علی و معلولی نباشد و در نهایت امر هم به یک علت اصلی منتهی نگردند» (همان). برای مثال، خوردن یکی از افعال انسان‌ها است و به علت تامه‌اش بستگی دارد، یعنی به مجموعه «انسان، علم، اراده، سلامت اعضای فعاله، قدرت بر تحمل، بودن ماده قابله و شرایط دیگر». در صورت تحقق علت تامه، این عمل ضروری خواهد بود ولی اگر بعضی از اجزای علت نباشد آنگاه دیگر نسبت ضرورت برقرار نخواهد بود، بلکه ممکن است این فعل از فاعل صادر شود یا نشود؛ و این همان «اختیار» است و انسان فطرتاً خود را مختار و آزاد در فعل و ترک می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۸۴؛ مطهری، ۱۳۸۳: ۶۰۷-۶۰۸).

به نظر طباطبایی، انسان فطرتاً به مختار بودن خود آگاهی دارد. بنابراین، اولاً اختیار امری وجدانی است نه اثبات‌کردنی و ثانیاً در انجام دادن فعل ضروری، اختیار عمل انسان جنبه امکانی دارد نه جنبه ضروری. در واقع، همین جنبه امکانی است که باعث می‌شود انسان بتواند با فکر و تروی، فعلی را انجام دهد یا انجام ندهد. با این حال، علاوه بر انجام دادن عمل‌های مختلف، ابداع و تولید اعتباریات دلیل و گواه روشنی بر اختیار انسان است. علاوه بر این، ضرورت علی و معلولی در خصوص انسان با در نظر گرفتن علل و مقدمات مخصوص افعال و حرکات انسان، مؤید اختیار و آزادی انسان است و انکار ضرورت علی و معلولی در خصوص افعال انسان موجب محدودیت و سلب اختیار از انسان خواهد بود. خلاصه میان علت تامه و معلول، ضرورت و رابطه جبری برقرار است، اما میان علت غیرتامه و معلول رابطه امکانی و اختیاری برقرار است. بی‌توجهی به این تمایز، منشأ خطا می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۸۴-۱۸۵).

وصف ضرورت در رابطه طبیعی میان علت تامه با معلولش برقرار است و این رابطه به رابطه طبیعی میان علت غیرتامه و معلولش تعمیم داده نمی‌شود و همین‌طور به رابطه‌های غیرطبیعی و ارادی انسان نیز تعمیم نمی‌یابد. بر این اساس، جبرگرایان و ناسازگارگرایان در رابطه میان جبر علی و اختیار دچار اشتباه مبنایی شده‌اند و با اثبات جبر (ضرورت) در کلیه حوادث و افعال اختیاری و غیراختیاری، موضوع «اختیار» یعنی نسبت «امکان» را از اساس و ریشه نفی می‌کنند و در نتیجه در چاله تناقضات عجیب و غریب افتاده‌اند و عجیب‌تر اینکه قول به ثبوت اختیار را مستلزم انکار علیت و در نتیجه قول به اتفاق دانسته‌اند. همین‌طور است گروهی که اعتقاد به جبر را مستلزم انکار صانع واجب و انکار اعجاز و جز اینها معرفی کرده‌اند. همه این فرضیات و پندارهای خام در خصوص جبر از این امر ناشی می‌شود که آنها نسبت میان معلول و علت تامه

تبیین فلسفی مسئولیت اخلاقی از دیدگاه محمد حسین طباطبائی

راه، که بالضروره صورت می‌پذیرد، محل تمسک قرار داده‌اند و از اختیار، یعنی نسبت میان معلول و علت غیرتامه، غفلت ورزیده‌اند (همان).

نتیجه

مسئولیت اخلاقی پاسخگویی به دلایل عمل است و رابطه بین عمل و دلیل عامل اخلاقی را تبیین می‌کند. مسئولیت اخلاقی و پاسخگویی به دلایل متضمن تبیین دو پرسش است: ۱. مسئولیت اخلاقی در قبال چه چیزی؟ عمل انسان (که سه حالت دارد: انجام دادن عمل، ترک آن و پیامدهای انجام دادن یا ترک آن)؛ ۲. مسئولیت اخلاقی در قبال چه کسی؟ در قبال خداوند، انسان‌ها و جهان. با توجه به مبانی توحیدی طباطبائی، مسئولیت نوع اول نامشروط است و بنیان انواع دیگر به حساب می‌آید.

مسئولیت اخلاقی و انواع آن تحت شرایط مشخصی اثبات می‌شود، که عبارت‌اند از: علم، قدرت و اختیار. طراحی نظریه مسئولیت اخلاقی طباطبائی مستلزم تبیین دیدگاه‌های وی در باب موارد فوق است. بدیهی است که تبیین نظریه وی و مقابله با چالش‌ها بدون تکیه بر تحلیل مبانی فلسفی وی ممکن نیست.

مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های فکری طباطبائی همانا نظریه اعتباریات است. اعتباریات آدمی از جمله اعتبار مسئولیت اخلاقی، از یک سو از الزامات زیستی و ضروریات اجتماعی ناشی می‌شود و از سوی دیگر اعتباریات تابع ارزش‌ها و غایات آدمی‌اند و این ارزش‌ها و غایات، متأخر از نیازها است. بنابراین، مسئولیت اخلاقی، هم پاسخی به ضروریات افعال و اعمال اخلاقی و لوازم آنهاست و هم پاسخی به غایات و اهداف اخلاقی حیات اجتماعی. مسئولیت اخلاقی همانند دیگر اعتباریات یک خط رابط میان الزامات اجتماعی و غایات اخلاقی است. این روابط نشان می‌دهد که اعتباریات به طور کلی و مسئولیت اخلاقی به طور خاص پیچیده است و به نوعی باید از «نظام مسئولیت اخلاقی» در تفکر طباطبائی سخن گفت؛ و از آنجا که «هر دستگاه اعتباری از قواعد رفتار، بر مفروضات فلسفی خاص خویش مبتنی است؛ چه تصریحاً و چه تلویحاً. این ویژگی ناشی از پیوند اعتباریات با حقایق (یا جهان آدمی با جهان عینی) است» (کیاشمشکی، ۱۳۹۰، ۴۰/۲). پس کشف منطق درونی نظام مسئولیت اخلاقی مستلزم این است که تفکر طباطبائی در کلیتش اندیشیده، و از دل آن، به تبیین همه‌جانبه مسئولیت اخلاقی پرداخته شود. به سخنی دیگر، مسئولیت اخلاقی یک اعتبار نظام‌مند است. این نظام‌مندی روشن

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال شانزدهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶۲ (زمستان ۱۳۹۳)

می‌کند که این اعتبار اخلاقی باید بر پایه‌های حقیقی استوار شده باشد، (مانند توحید) تا آثار حقیقی مطلوب نتیجه بدهد. در این صورت، جهان اعتبار و واقعیت هماهنگ می‌شود و خلاف آن منجر به نابودی می‌گردد. زیرا «جهان اعتباری پل ارتباطی او با جهان عینی است و ناسازگاری این دو به تباهی، تلاشی و هلاکت آدمی منجر می‌شود. لذا لازم است اعتبارات آدمی با حقایق عینی سازگار باشند» (همان). این نظام‌مندی مسئولیت اخلاقی نشان می‌دهد که این مسئله در تفکر طباطبایی با تفکر دیگران یک تفاوت جوهری دارد. این تفاوت ابتدا در اصول خود را نشان می‌دهد و بعد در غایات و سپس در نظم درونی و دنیوی رفتارها و عملکردهای انسانی. با تمام این احوال، مسئولیت اخلاقی نوعی پاسخگویی به دلایل و مستلزم به عهده گرفتن الزامات عمل است.

چالش‌هایی غیرمستقیم بر مسئولیت اخلاقی ایراد شده است که مهم‌ترین آن یکی چالش جبر و اختیار است و دیگری، چالش ناسازگاری موجبیت علی با اختیار آدمی. پاسخ طباطبایی این است که اختیار آدمی در ساحت اعتباریات جریان دارد و قوانین علیت در ساحت حقیقت. بنابراین، ناسازگاری میان جبر علی با مسئولیت اخلاقی دیده نمی‌شود؛ زیرا هر یک به ساحت‌های متمایزی مربوط است. طباطبایی با تمایز دو ساحت حقیقت و اعتبار، چالش اصلی را منحل می‌کند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. پارسانیا، حمید (۱۳۹۲). جهان‌های اجتماعی، قم: کتاب فردا، چاپ دوم.
۳. سرل، جان (۱۳۸۲). ذهن، مغز و علم، ترجمه و تحشیه: امیر دیوانی، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
۴. سعیدی‌مهر، محمد و مقدس، سعید (۱۳۹۱). «بررسی نظریه علامه در باب سازگاری ضرورت علی و اختیار انسان»، در: نشریه حکمت معاصر، س ۳، ش ۲، صص ۹۹-۱۲۳.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸). *بلایة الحکمة*، تعلیق: علی شیروانی، قم: دارالفکر.
۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). *اصول فلسفه رئالیسم*، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۸ الف). *بررسی‌های اسلامی*، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم، ج ۲.

تیمین فلسفی سؤلیت اخلاقی از دیدگاه محمد حسین طباطبائی

۸. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۸۸ ب). *شیعه در اسلام*، قم: بوستان کتاب، چاپ پنجم.
۹. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۲۰). *نهایة الحکمة*، تعلیق: عباس علی الزارعی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الخامسة عشرة المنقحة.
۱۰. طباطبائی، سید محمدحسین (۲۰۰۲/۱۴۲۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية، ج ۱.
۱۱. طباطبائی، سید محمدحسین (۲۰۰۷/۱۴۲۸ الف). *الإنسان والعقيدة*، تحقیق: صباح الربیعی و علی الأسدی، قم: نشر باقیات، الطبعة الثانية.
۱۲. طباطبائی، سید محمدحسین (۲۰۰۷/۱۴۲۸ ب). *رسالة الإعتبارات*، در: *مجموعة رسائل العلامة الطباطبائی*، تحقیق: صباح الربیعی، قم: باقیات.
۱۳. طباطبائی، سید محمدحسین (۲۰۰۷/۱۴۲۸ ج). *رسالة الإنسان بعد الدنيا*، در: *الإنسان والعقيدة*، تحقیق: صباح الربیعی و علی الأسدی، قم: نشر باقیات، الطبعة الثانية.
۱۴. طباطبائی، سید محمدحسین (۲۰۰۷/۱۴۲۸ د). *رسالة الإنسان فی الدنيا*، در: *الإنسان والعقيدة*، تحقیق: صباح الربیعی و علی الأسدی، قم: نشر باقیات، الطبعة الثانية.
۱۵. طباطبائی، سید محمدحسین (۲۰۰۷/۱۴۲۸ ه). *رسالة الولاية*، در: *الإنسان والعقيدة*، تحقیق: صباح الربیعی و علی الأسدی، قم: نشر باقیات، الطبعة الثانية.
۱۶. طباطبائی، سید محمدحسین (۲۰۰۷/۱۴۲۸ و). *رسالة التوحيد*، در: *مجموعة رسائل العلامة الطباطبائی*، تحقیق: صباح الربیعی، قم: باقیات.
۱۷. طباطبائی، سید محمدحسین (۲۰۰۷/۱۴۲۸ ز). *رسالة الإنسان قبل الدنيا*، در: *الإنسان والعقيدة*، تحقیق: صباح الربیعی و علی الأسدی، قم: نشر باقیات، الطبعة الثانية.
۱۸. طباطبائی، سید محمدحسین (۲۰۰۷/۱۴۲۸ ح). *مجموعة رسائل العلامة الطباطبائی*، تحقیق: صباح الربیعی، قم: باقیات.
۱۹. طباطبائی، سید محمدحسین (۲۰۰۷/۱۴۲۸ ط). *رسالة القوة والفعل*، در: *مجموعة رسائل العلامة الطباطبائی*، تحقیق: صباح الربیعی، قم: باقیات.
۲۰. طباطبائی، سید محمدحسین (۲۰۰۷/۱۴۲۸ ی). *رسالة المنامات والنبوات*، در: *مجموعة رسائل العلامة الطباطبائی*، تحقیق: صباح الربیعی، قم: باقیات.
۲۱. طباطبائی، سید محمدحسین (بی تا الف). *اسلام و اجتماع*، تهران: جهان آرا.
۲۲. طباطبائی، سید محمدحسین (بی تا ب). *روابط اجتماعی در اسلام*، تهران: بی تا.

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال شانزدهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶۲ (زمستان ۱۳۹۳)

۲۳. کیاشمشکی، ابوالفضل (۱۳۸۳). *راز رستاخیز و کاوش‌های عقل نظری*، قم: آیت عشق.
۲۴. کیاشمشکی، ابوالفضل (۱۳۹۰). «کاربرد نظریه اعتباریات علامه طباطبایی در علوم انسانی»، در: *علامه طباطبایی، فیلسوف علوم انسانی - اسلامی (مجموعه مقالات)*، به کوشش عبدالحسین خسروپناه، ج ۲، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *شرح منظومه*، تهران: صدرا، چاپ ششم.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). *مجموعه آثار، اصول فلسفه و روش رئالیسم*، تهران: صدرا، چاپ دهم، ج ۶.
۲۷. ملاصدرا، محمد (۲۰۰۰/۱۴۲۰). *المشاعر، تعلیق و تصحیح: فاتن محمد خلیل اللبون، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی*.
۲۸. ملاصدرا، محمد (۲۰۰۲/۱۴۲۳). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. مور، جورج ادوارد (۱۳۷۵). *اخلاق*، ترجمه: اسماعیل سعادت، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
۳۰. وارنوک، مری (۱۳۸۷). *فلسفه اخلاق در قرن بیستم*، ترجمه: ابوالقاسم فنایی، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.
31. Fischer, John Martin (2006). *My Way: Essays on Moral Responsibility*, London: Oxford University Press.
32. Fischer, John Martin, and Others (2007). *Four Views on Free Will*, Blackwell.
33. Fischer, John Martin, and Ravizza, Mark (1998). *Responsibility and Control: A Theory of Moral Responsibility*, London: Cambridge Studies in Philosophy and Law, Cambridge University Press.
34. Zimmerman, Michael (2001). "Responsibility," *Encyclopedia of Ethics*, V. 3. New York and London: Routledge

پی‌نوشت‌ها:

۱. در دوره معاصر برخی فیلسوفان، از جمله فیشر، مسئولیت اخلاقی را با ساز و کار پاسخگویی به دلایل پیوند زده‌اند. ساز و کار پاسخگویی به دلایل دو قسم است: ساز و کار پاسخگویی قوی؛ و ساز و کار پاسخگویی ضعیف. فیشر برای تشخیص ساز و کار پاسخگویی قوی و بالفعل، تحقق سه شرط را مطرح می‌کند: فاعل باید این دلایل را کافی بداند، مطابق با دلایل کافی انتخاب کند، بر اساس این انتخاب فعل خود را انجام دهد. این

تیین فلسفی مسؤلیت اخلاقی از دیدگاه محمد حسین طباطبائی

سه شرط (کفایت دلیل، انتخاب آن، و عمل بر اساس دلیل منتخب) اساسی است و اگر یکی از این شرطها نباشند، آنگاه ساز و کار پاسخگویی از نوع ضعیف خواهد بود، که ارتباط سست‌تری بین دلایل و عمل را نشان می‌دهد. به هر حال، ساز و کار پاسخگویی معطوف به توضیح رابطه دلایل‌ها و عمل‌ها است. معقول این است که این رابطه نه خیلی افراطی و سخت‌گیرانه باشد و نه خیلی سست و تفریطی، بلکه در حد میانه و معتدل باشد. برای توضیح بیشتر نک: Fischer, 2006: 67.

۲. مفهوم قدرت و «توانایی» عمل در عصر حاضر محل تفسیرهای متعددی واقع شده است. جان سرل قدرت عمل را امری روان‌شناختی و دال بر امکان انتخاب می‌داند (سرل، ۱۳۸۲: ۱۷۷) ولی برخی دیگر، آن را نوعی حالت و کیفیت عصب‌شناختی از بدن می‌دانند. کسانی مانند جی. ای. مور، نیز دو کار انجام می‌دهند: ۱. بازتفسیر معنای «توانستن»؛ ۲. بازتفسیر معنای «اختیار»، تا بتوانند مسؤلیت اخلاقی را در مقابله با نظریات جبرگرایان، اثبات و مستقر کنند (وارنوک، ۱۳۸۷: ۱۶۳).

۳. این مفهوم نیز مانند مفهوم توانستن در غرب معاصر، بازاندیشی جدی شده است (مور، ۱۳۷۵: ۱۴۵-۱۶۴؛ وارنوک، ۱۳۸۷: ۱۶۱-۱۶۴).





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی